

کلیون بشی که خنده زن نولو کلون بشی در رده
حسن لطف موزون بشی ان لحظه که پرده شوی
چون بشی **بسم** محبتی که نتیجه تفاروف روحان است
و این تفاروف مرتب بر مناسبت روحانیت است
البتحان این و مرتب مناسبت متفرع بر استراک در مراتب
بان من که مزاجان در یکی درجه از درجات هستند
واقع شده باشد یا در هر مرتبه یکی نزدیک باشد به
مرتبه دیگر زیرا که موجب تفاوت ارواح در شرف
و علو بعد قضا الله تفاوت در درجات است
فالاقربان الله الی الله استمال همین سیرم قبول روح
شرف و اعلا والا بعد بالعکس یعنی نزول الدر
لاجرم چون دو مرتبه در یک درجه باشند با وجهی
مرتب باشد بهر چه دیگر مرتبه روح فاضل مرتبه
از آن دو مرتبه در شرف و علو بود تا مرتبه آن دیگر
باشد با قریب بدان و بر این احوال و مراتب مرتبه

میان ایشان تفاروف واقع شود موجب ایالات است
کرد و پس از تفاروف روحان که مرتب بر این است
موجب محبت کرد و حضرت مسک است که تقدیر آن
است و موده به اجماع است و استحقاقی هر این محبت
اولی باشد **باب** ای رفته بعشق در استان من و
نوع در هر دو فاکلی است جان من و تو من بنده آن جان
که خدا زل روحانیت یکایک میان من و تو **بزرگ**
عشق و محبت را و می حقیر را با بنزاجا بصورتی است
تمام است لاجرم الفاظ و عباراتی که در شرح ما بجز این
موضوع است بر آن استماره میکنند و از عشق و محبت
مثلاً مراتب و مدار می گویند و این مثال است
جهات مقدده و وجود کونا کون است و از جمله آن
چنانکه مراتب در مقام است و ستم اولی حواس من که در
مجموعه و قوت است بواسطه قوتش مجوش و شدت غلبه
در محل خارج بر میل بجانب ظهور و غلبه می باشد همانکه